



قرائت آیات سوره قصص توسط ابا عبدالله (ع)؛ روشنگر فلسفه قیام عاشورا

امام حسین (ع) هنگام حرکت از مدینه و ورود به مکه، آیات ۲۱ و ۲۲ سوره قصص را تلاوت فرمود تا به مردم تفهیم کند که قیام او همچون مواجهه موسی با فرعون، مبارزه حق با باطل است، پس باید جبهه حق را بشناسند و از آن دفاع کنند.

امام حسین (ع) هنگام حرکت از مدینه و ورود به مکه، آیات ۲۱ و ۲۲ سوره قصص را تلاوت فرمود تا به مردم تفهیم کند که قیام او همچون مواجهه موسی با فرعون، مبارزه حق با باطل است، پس باید جبهه حق را بشناسند و از آن دفاع کنند.

حجت الاسلام و المسلمین عبدالکریم پاک‌نیا، از استادان حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، ضمن اشاره به آیات قرآنی مورد استفاده امام حسین (ع) در طول قیام خود، با رویکردی قرآنی به واکاوی حماسه مقدس عاشورا پرداخت.

این استاد حوزه علمیه قم که دارای تألیفات متعددی در زمینه معارف اهل بیت (ع) است به جایگاه ویژه سیره و سخنان امام حسین (ع) در عرصه تبیین کلام وحی اشاره کرد و گفت: امام (ع) در روزهای واپسین عمر خویش با آن همه اشتیاقی که برای شهادت در راه خداوند داشت، یک روز دیگر را برای تلاوت و انس با قرآن از دشمن معاند مهلت خواست و فرمود: «خدا می‌داند که من همواره دوست می‌دارم که در محضرش نماز بخوانم و قرآن تلاوت کنم و فراوان دعا و استغفار کنم» و چه زیبا در شب عاشورا خطبه می‌خواند و خداوند را برای نعمت‌هایش حمد و ثنا می‌گفت و می‌فرمود «اللهم انی احمدک علی ان اکرمتنا بالنبوه و علمتنا القرآن و فقهنا فی الدین: خداوند! تو را سپاس می‌گویم بر اینکه ما را با نبوت جدمان رسول خدا گرامی داشتی و به ما قرآن آموختی و فهم دین عطا کردی».

وی قیام امام حسین (ع) را در راستای استمرار حرکت انبیای الهی دانست و اظهار کرد: امام حسین (ع) دو روز مانده به پایان ماه رجب حرکت خویش را از مدینه آغاز کرد و شهر پیامبر را به سوی مکه ترک کرد. امام از حرکت به سوی مکه اهدافی ارجمند داشت که مهمترین آن رساندن پیام انقلاب به امت اسلام در ایام حج در اجتماع بزرگ مردم بود. شیخ مفید در الارشاد می‌گوید: امام حسین (ع) در زمان حرکت از مدینه این آیه شریفه را تلاوت می‌فرمود: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت؛ در حالی که می‌گفت پرورگارا مرا از گروه ستمکاران نجات بخش» (قصص: 21).

وی افزود: امام وقتی در شب جمعه سوم شعبان سال 60 هـ.ق وارد شهر مکه شد، به محض ورود ایشان این آیه شریفه را قرائت می‌فرمود: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ: و چون به سوی «شهر» مدین رو نهاد «با خود» گفت امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند» (قصص: 22). حضرت سیدالشهدا با زمزمه این آیات می‌خواست به مردم بفهماند که همچنان که حضرت موسی (ع) در زادگاه خویش از دست طاغوت زمان امنیت نداشت و نمی‌توانست ندای توحید و امر به معروف و نهی از منکر کند من نیز در وطن خویش در محاصره طاغوت و طاغوتیان بودم و امنیت جانی و مالی نداشتم؛ به این لحاظ همانند جناب موسی (ع) زادگاه خود را رها کردم و به دیار دیگری هجرت می‌کنم، شاید خداوند برایم فرجی حاصل کند و بتوانم در مکه سرزمین وحی، ستم فرعون زمان را افشا کنم و مردم را است هدایت فرماید و ثابت قدم بدارد.

پاک نیا همچنین تلاوت این دو آیه شریفه را حکایت گر نکته‌ای مهم دانست و گفت: حرکت امام حسین (ع) از نوع قیام‌های پیامبران الهی برای اصلاح جامعه خویش بوده و آن حضرت هم دوام بخش راه انبیاست. حرکت او برای مبارزه با ظلم و ستم، قیام برای خدا و احیای ارزش‌های الهی است. امام با این دو آیه به مردم تفهیم کرد که قیام او مواجهه فرعون و موسی و مبارزه حق با باطل است. باید جبهه حق را بشناسد و از آن دفاع کنند.

قیامی برای آزمایش مردم

حجت الاسلام پاک نیا قیام ابا عبدالله را به مثابه اتمام حجتی برای مردم خواند و گفت: امام (ع) وقتی از مدینه خارج شدند، گروهی‌هایی از جنیان مسلمان به حضور آن حضرت آمدند و گفتند: «ای آقا ما! ما از شیعیان و یاوران شما هستیم، هر دستوری بفرمایید، تمام دشمنانتان را به قتل می‌رسانیم و شما نیازی نیست حرکت بکنید و زحماتی متحمل شوید». امام حسین (ع) به آنان فرمود: «خداوند به شما جزای خیر دهد» آنگاه فرمود: «آیا شما این آیه شریفه را که بر جدم نازل شده است، نخوانده‌اید که خداوند می‌فرماید: «أَيُّمَّا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ... هر کجا باشید شما را مرگ در می‌یابد؛ هر چند در برج‌های استوار باشید...» (نساء: 78) و همچنین می‌فرماید: «...لَبَّرَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ... بگو اگر شما در خانه‌های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده قطعا «با پای خود» به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند...» (آل عمران: 154). بعد امام در توضیح تلاوت این آیات فرمود: «اگر من حرکتی نکنم و قیام نکنم. این مردم چگونه آزمایش می‌شوند؟ چه کسی در قبر من در کربلا ساکن خواهد شد؛ حال آنکه خداوند برای من در روز آغاز آفرینش در نظر گرفته و آن را پناهگاه دوستان و شیعیانم قرار داده است.» (بحار الانوار، جلد چهارم ص 330) به خدا سوگند که من برای نابودی دشمنانم از شما توانا ترم. اما خداوند رحمان می‌خواهد: «... يَهْلِكُ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْتَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيْتَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ: کسی

که (باید) زنده شود با دلیلی واضح زنده بماند و خداست که در حقیقت شنوای داناست» (انفال: 42). وی افزود: حرکت امام حسین(ع) از نوع قیام‌های پیامبران الهی برای اصلاح جامعه خویش بوده و آن حضرت هم دوام بخش راه انبیاست. حرکت او برای مبارزه با ظلم و ستم قیام برای خدا و احیای ارزش‌های الهی است. امام با این دو آیه به مردم تفهیم کرد که قیام او مواجهه فرعون و موسی و مبارزه حق با باطل است. باید جبهه حق را بشناسد و از آن دفاع کنند. پاک نیا در تبیین گفته امام(ع) افزود: حضرت با این آیات سه نکته را متذکر شدند که عبارت‌اند از اینکه: اولاً از مرگ چاره‌ای نیست و همه باید تسلیم این سرنوشت باشند. ثانیاً امام و یارانش آن گروه سعادت‌مندی هستند که خداوند شهادت؛ یعنی بهترین نوع مرگ را برایشان برگزیده است. ثالثاً قیام او اتمام حجت برای مردم است که آنان با اختیار و از روی علم و آگاهی راه حق و یا راه بنی امیه را انتخاب کنند.

معیار حرکت‌های توحیدی طبق آیه 33 سوره فصلت

هنگامی که امام(ع) از مکه رهسپار کربلا شد، «عمر و بن سعید»، حاکم مدینه بر مبنای درخواست «عبد الله بن جعفر طیار» نامه‌ای به امام نوشت و در آن چنین نگاشت: «من از خدا می‌خواهم از آن چه تو را هلاک می‌سازد، پاسداری کند و تو را به سوی رشد و هدایت رهنمون شود، به من خبر رسیده که می‌خواهی به سوی عراق حرکت کنی، من درباره عداوت و ناسازگاری به تو هشدار می‌دهم و از نابودی تو می‌ترسم به این جهت عبدالله بن جعفر را با یحیی بن سعید نزد تو فرستادم، به همراه آنان به نزد من بازگرد. در نزد من با امنیت و آسایش و نیکی خواهی بود، خدا در این زمینه گواه و کفیل است؛ و السلام». وقتی آن دو تن نامه را با عجله به امام رساندند، حضرت ابا عبدالله با الهام از آیه شریفه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» و کیست خوش‌گفتارتر از آن کسی که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید من (در برابر خدا) از تسلیم شدگانم» (فصلت: 33)، چنین پاسخ داد: اما بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر هرگز با خدا و پیامبرش ناسازگاری و عداوت نکرده‌ام. کسی که به سوی خدا می‌خواند و عمل صالح انجام می‌دهد و با تمام وجود می‌گوید: من از مسلمانانم. تو مرا به سوی امان نیکی و آسایش دعوت کرده‌ای، بهترین امان برای من امان خداست و او در روز قیامت، کسی را که در دنیا از او نترسد امان نخواهد داد، در دنیا خوف از خدا را از درگاهش خواهانیم تا موجب امنیت ما در قیامت باشد، اگر قصد تو از نوشتن به ما خیر خواهی و نیکی است خداوند در دنیا و آخرت برایت جزای خیر دهد. والسلام.

آن حضرت در حقیقت با تحقق عمل صالح و تسلیم در مقابل فرمان‌های الهی به تبلیغ و نشر اصول و ارزش‌های مکتب توحید نیز می‌پردازد و همانند پیامبران الهی ندای آسمان توحید را سر می‌دهد. یقین بی‌نظیر امام ناشی از این مبانی عمیق است و به همین لحاظ است که امام(ع) به امان نامه‌های عوامل ستمگران در مقابل امان الهی واقعی نمی‌نهد؛ چرا که به راه خود، ایمان و تأییدات الهی، از عمق جان باور دارد.

مدیر انتشارات فرهنگ اهل بیت(ع) در تفسیر بیانات فوق تصریح کرد: امام با استفاده از آیه بالا به صراحت سه ویژگی با ارزش رادر حرکت خود مشخص کرده، از جمله دعوت به الله، عمل صالح و تسلیم در برابر حق. آن حضرت در حقیقت با تحقق عمل صالح و تسلیم در مقابل فرمان‌های الهی به تبلیغ و نشر اصول و ارزش‌های مکتب توحید نیز می‌پردازد و همانند پیامبران الهی ندای آسمانی توحید را سر می‌دهد. یقین بی‌نظیر امام ناشی از این مبانی عمیق است و به همین لحاظ است که امام(ع) به امان نامه‌های عوامل ستمگران در مقابل امان الهی واقعی نمی‌نهد؛ چرا که به راه خود، ایمان و تأییدات الهی، از عمق جان باور دارد از این گذشته، امام معیار حرکت‌های توحیدی را نیز با آیه 33 فصلت بیان می‌فرماید تا آیندگان، انقلاب‌های ارزشی را از غیر آن بشناسند و بدانند هر گروه و شخصی که در برنامه خود دعوت به سوی خدا، عمل صالح و تسلیم در مقابل حق را، گنجانند آن قیام الهی است و گر نه ارزشی ندارد».

قرائت آیه استرجاع، جهت هشدار یاران به تسلیم شدن به قضای الهی

پاک نیا پس از بر شمردن «تسلیم شدن به قضای الهی» به عنوان یکی از ارکان قیام امام حسین(ع) گفت: «عبدالله بن عباس» وقتی عزم راسخ امام حسین(ع) را در حرکت از مکه به سوی کوفه مشاهده کرد، بسیار تلاش و اصرار کرد که امام برگردد اما از گفت و گوی خود به نتیجه‌ای نرسید. امام حسین(ع) برای آرام کردن او به قرآن تفالی زد این آیه آمد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفُّونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ رُحِزَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ...» هر جاننداری چشنده (طعم) مرگ است و همانا روز رستخیز پادشاهیتان به طور کامل به شما داده می‌شود» (آل عمران: 185). بعد از آمدن این آیه، امام آیه استرجاع را تلاوت فرمود: «انالله و انا الیه راجعون» و به ابن عباس تاکید کرد بعد از این‌که این آیه را هم مشاهده کردی، دیگر اصرار نکن که قضای خدای بزرگ برگشت ندارد: امام حسین(ع) این باور توحیدی را بارها در پیام خود یاد آور شد و اعلان فرمود که وقتی قرار است همه افراد ذائقه موت را بچشند؛ چه بهتر که آن شهادت در راه خدا باشد. حضرت می‌فرمود که وقتی قرار است همه افراد ذائقه موت را بچشند؛ چه بهتر که آن شهادت در راه خدا باشد.

قیامی که حق و باطل را جدا کرد

مدیر انتشارات فرهنگ اهل بیت(ع) یکی از تبعات عظیم این حرکت الهی را جدایی حق از باطل یا «فرقان» خواند و خاطرنشان کرد: حضرت سیدالشهدا(ع) در روز سه‌شنبه هشتم ذی الحجه یوم الترویه، از مکه خارج شد و به سوی عراق حرکت کرد؛ هنگامی که عوامل حکومتی از حرکت امام خبر دار شدند، به دستور «یحیی بن سعید» حاکم مکه، از طرف یزید گروهی مأموریت یافتند تا راه را بر امام ببندند و آن حضرت را از رفتن باز دارند آنن نیز طبق دستور، جلو کاروان حضرت را گرفتند و گفتند: ای حسین!

برگرد به کجا می‌روی؟ سالار شهیدان از برگشتن خودداری کرد و به راهش ادامه داد. دو گروه درگیر شدند و به یکدیگر فشار آوردند و با تازیانه‌ها هم ریختند، امام با قاطعیت تمام سخن آنان را رد کرد و بدون اعتنا به فشار عوامل حکومتی، به همراه یارانش به راه خود ادامه داد: آنان فریاد زدند «یا حسین! الا تتقی الله؟ تخرج من الجماعه و تفرق بین هذه الا مه؟» (ای حسین! از خدا نمی‌ترسی؟ چرا از جماعت جدا می‌شوی و میان امت اسلام اختلاف می‌اندازی؟). امام حسین(ع) این باور توحیدی را بارها در پیام‌های خود یاد آور شد و اعلان فرمود که وقتی قرار است همه افراد ذائقه موت را بچشند چه بهتر که آن شهادت در راه خدا باشد، حضرت می‌فرمود: و ان تکن الابدان للموت انشات فقتل امرء بالسيف فی الله افضل. هم چنین همه نشانه‌ها خبر از سرنوشت سعادت‌مندان آن حضرت که شهادت در راه خداست می‌داد و این مدال افتخاری بود که خداوند متعال به دوستان برگزیده و خالصش اعطا می‌کند.

مولف کتاب «ارتباط با خدا» در بیان پاسخ کوبنده و حکمت‌آمیز امام حسین(ع) گفت: امام در پاسخ آنان این آیه شریفه تلاوت فرمود: «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِيْ عَمَلِيْ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيْئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيْءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ: اگر تو را تکذیب کردند، بگو عمل من به من اختصاص دارد و عمل شما به شما اختصاص دارد، شما از آن چه من انجام می‌دهم غیر مسئولید و من از آن چه شما انجام نمی‌دهید غیر مسوولم» (یونس: 41).

وی افزود: خداوند در این آیه به رسول گرامی اسلام طریق مبارزه جدی را با مخالفان آموخت. این اعلام بیرازی که توأم با اعتماد و ایمان قاطع به هدف و یقین بود. اثر روانی و ویژه در مخالفان داشت و به آنان فهماند که راه پیامبر قطعا حق است و مخالفان معاند فقط با نپذیرفتن حق، خود را از فواید مکتب حق محروم می‌کنند و هرگز نمی‌توانند از نفوذ و پیشرفت راه حق جلوگیری کنند. امام حسین(ع) نیز با استناد به این آیه جدایی راه خود را که حق است، از راه باطل بنی امیه با قاطعیت تمام بیان کرد و به آنان فهماند که حرکت امام در راستای تفرقه میان امت نیست، بلکه جداسازی حق از باطل است.